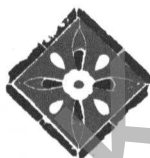


سرشناسه: جاودان، محمدعلی، ۱۳۲۴ -
 عنوان و نام پدیدآور: سیره و خاطرات علما / مؤلف
 محمدعلی جاودان؛ به سفارش مؤسسه‌ی ایمان ماندگار.
 مشخصات نشر: قم: واژه‌پرداز اندیشه، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۷-۰۰-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- خاطرات
 موضوع: 'Ulama -- Iran -- Diaries'
 شناسه‌ی افزوده: موسسه ایمان ماندگار
 رده‌بندی کنگره: BP۵۵/۲
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۶
 شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۸۵۶۳۱۴

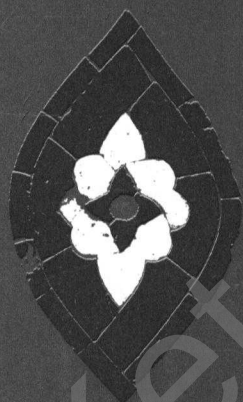


واژه‌پرداز اندیشه

عنوان: سیره و خاطرات علماء
 مؤلف: استاد محمد علی جاودان
 گردآورنده: مؤسسه‌ی ایمان ماندگار
 ویرایش: حسین حاجی حسینی
 مدیر هنری: مهیار سپهری
 صفحه‌آرا: سید احسان عابدی
 ناشر: واژه‌پرداز اندیشه، ۱۳۹۹ * ۳۲,۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۷-۰۰-۸
 چاپ اول: بهار ۱۳۹۹ * تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

* * *

حق مالکیت معنوی این کتاب
 محفوظ و متعلق به موسسه‌ی ایمان ماندگار است.



هو
عَلَمُ
سَبِيْرِهِ وَخَطِّانِ
اُسْتاد محمد علی جاودان

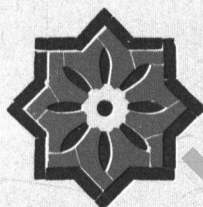
- * ما نمی‌توانیم جواب آخرت را بدهیم! ۱۱
- * چطور می‌خواهی آدم بشوی؟ ۱۳
- * خدا بی‌یکارت بکند! ۱۴
- * ساس‌ها بروید! ۱۵
- * هذا عزاک یا حسین! ۱۶
- * تعطیلی روز وفات امام صادق (ع) ۱۷
- * استاد مصری شیعه شد! ۱۸
- * من هیچ غرضی ندارم! ۲۰
- * اگر شما نروید، پس چه کسی برود؟ ۲۱
- * شیطان چقدر می‌داند؟! ۲۳
- * گریه‌های نیمه‌شب در خردادسالی! ۲۴
- * از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم! ۲۵
- * دروغ حرام است! ۲۸
- * حاج حشمت روضه‌خوان ۲۹
- * ببخشید که من جلو می‌ایستم! ۳۰
- * منصرف شدن مأموران مخفی ۳۱
- * ترك محرّمات کنید، می‌رسید! ۳۲
- * نوبت ما را به او بدهید! ۳۳
- * ... حالا هندل بزن! ۳۵
- * قدر مخفی علامه عسکری ۳۷
- * شیخ مناجات مرا می‌دانست؟! ۳۸
- * نشستن نیم‌خیز ۴۰

- * آب خوبی خوریم، مردن خوبی هم بکنیم! ۴۱
 * چرا باید سلوک کرد؟! ۴۲
 * به من رحم کردند که نرفتند! ۴۳
 * معالجه و سفر به انگلستان علامه ۴۴
 * خدایا، مرا بیش از يك روضه خوان ندانند! ۴۶
 * از بدو تکلیف، گناه نکرده‌ام ۴۷
 * یا ببخش یا خسارت بگیر! ۴۸
 * درس خصوصی برای نگه داشتن يك طلبه ۴۹
 * نتیجه‌ی بدگویی يك تاجر ۵۱
 * نماز حاج آقا یحیی بر پیکر بزرگ درویش ۵۲
 * دعای مستجاب شیخ مرتضی زاهد ۵۳
 * امامت جماعت در شبستان چهل ستون ۵۴
 * معلوم نبود که فرشته است! ۵۶
 * شب زنده داری شیخ مرتضی زاهد در نوجوانی ۵۷
 * شاگرد شیخ اعظم یا پادوی بازار ۵۸
 * سی تفسیر از يك آیه ۶۲
 * گریز از مرجعیت ۶۴
 * سلوک و ریاضت اهل علم ۶۵
 * پرهیز از نظر به نامحرم ۶۷
 * شب‌ها برای نماز مرا بیدار می‌کنند! ۶۹
 * يك ساعت و نیم در صف نانوايي ۷۰
 * توسل به مادر برای شفاعت نزد فرزند ۷۱
 * رفیقی مثل مرتضی پیدا نخواهی کرد! ۷۳
 * نتیجه‌ی يك ساعت فکر کردن! ۷۴
 * آیا شما من را اعلم می‌دانید؟! ۷۵
 * ادب در حرف شنیدن است! ۷۶
 * سبک، مثل پیرزن ۷۸
 * يك ساعت به خودت بپرداز! ۷۹
 * آیا این مقدار گذشت، ممکن است؟ ۸۰
 * هفتاد سال است که برای خودم نقشه نکشیده‌ام! ۸۱
 * باید کفش آن‌ها را پیش پایشان جفت کنی! ۸۳
 * حسن ظنّ مرجع تقلید به خدا ۸۴

- * می بینم که دستم خالی است! ۸۸.
 * همه معلم می خواهند، حتی شما! ۸۹.
 * شفای علامه عسکری در کودکی ۹۰.
 * استدلال در مرکز وهابیت ۹۳.
 * اسب بازی یعنی چه؟! ۹۶.
 * همه باید پشت سر ایشان باشیم! ۹۷.
 * بخشش يك بزرگوار ۹۸.
 * سر پنهانی سید قوام ۹۹.
 * سبب هجرت از بروجرд ۱۰۲.
 * می گوید که حبّ جام ندارد؟! ۱۰۳.
 * سرمایه ای برای روزی حلال ۱۰۴.
 * کسی که راه را پیدا کرد ۱۰۷.
 * وهابی ها هم گریه می کردند! ۱۰۸.
 * مردی بسان انبیاء ۱۱۰.
 * توجان خودت را حفظ کن! ۱۱۱.
 * تورا می کشند و مرا تبعید می کنند! ۱۱۳.
 * نزاع میان دو برادر، به شمار بپی ندارد! ۱۱۵.
 * رنج نامه ی مشروطیت ۱۱۶.
 * آشنایی شهید دیالمه با علامه عسکری ۱۳۴.
 * در جاشیعه شد ۱۳۶.
 * آینه شو، جمال پری طلعتان طلب! ۱۳۸.
 * بدترین و بهترین روز عمر علامه ۱۴۱.
 * شکر الله مساعيك! ۱۴۳.
 * تلاش میرزای آشتیانی در تحریم تنباکو ۱۴۵.
 * مؤتمر مفرضانه ی استانبول ۱۴۹.
 * «مشروطه» و سفارت انگلیس ۱۵۴.
 * استغفار جمعی ۱۵۸.
 * تأثیر همراهی از دور ۱۵۹.
 * دلیل هجرت از تهران ۱۶۰.
 * بلند شوید و در را باز کنید ۱۶۲.
 * «تحیّر» بعد از فهمیدن است ۱۶۳.
 * پس برو! ۱۶۴.

- ۱۶۶ * مگر تو در هنگام نماز صدا هم می شنوی؟
- ۱۶۷ * میرزای شیرازی و سید جمال الدین
- ۱۶۹ * آرزوی وحدت آیت الله العظمی خویی
- ۱۷۰ * ندای غیبی: تو اشتباه می کنی!
- ۱۷۱ * حالا حل شد!
- ۱۷۲ * خواسته‌ی مشروط، ممنوع!
- ۱۷۴ * من یونجه نمی فروشم!
- ۱۷۵ * قوت می بشکند ابرق را!
- ۱۷۶ * سر آشکار و پنهانی شیخ اعظم
- ۱۷۹ * قاضی القضاة شهید هند
- ۱۸۱ * آشنایی با استعمار در هشت سالگی
- ۱۸۲ * تشکیل حکومت اسلامی در عراق
- ۱۸۳ * آشتی بر سر سفره
- ۱۸۵ * فقط دعا می کنم که مسلمان بمیرم!
- ۱۸۶ * التماس دعا، متفقین به آیت الله خوانساری
- ۱۹۰ * سلوک سید موسی زر آبادی
- ۱۹۱ * اسمش را محمد کاظم بگذار!
- ۱۹۳ * تولایق این منصب نیستی!
- ۱۹۶ * عشق به تعلم در قحطی اصفهان
- ۱۹۹ * مناظرات حکیم تنگابنی و تیمورتاش
- ۲۰۱ * مفاوضه‌ی آیت الله قمی و سردار کابلی
- ۲۰۶ * میرزای حکیم فراموش شده
- ۲۰۹ * امساک میرزای بافقی در زندان رضاخانی
- ۲۱۱ * ماجرای وفات میرزای شیرازی بزرگ
- ۲۱۵ * شیخ ابوالقاسم کبیر، عالمی روشن ضمیر
- ۲۱۷ * اواز من، اعلم است!
- ۲۱۸ * خلسه‌های ادیب نیشابوری
- ۲۱۹ * پاسخگویی علامه عسکری به شبهات
- ۲۲۰ * تو تحت حمایت انگلیسی یا من؟!
- ۲۲۱ * مناظره با مبلغ مسیحی
- ۲۲۴ * توصیه به صاحب اسرار و اشار
- ۲۲۵ _____ **نماینه**





مقدمه

نویسنده این رساله می‌خواست آن را به نام «فقط طلبه آن را بخواند» نام‌گذاری کند. چون معمول این داستان‌ها و خاطرات از کرامات اخلاقی علمای بزرگ بود و می‌توانست برای طلاب علوم دینی سرمشق و آموزش راه و رسم عملی باشد ان شاء الله.

نویسنده سعی کرده است که کرامات اخلاقی و رفتارهای برگزیده‌ی بزرگانی از علما در این رساله گردآوری شود. اگرچه توفیق‌اش برای انجام این نیت کامل نبود، اما کوشید تا می‌تواند چیزی به عنوان سرمشق عملی برای خواننده و تذکری از آخرت و تقوا بیاورد.

بسیاری از آنچه در این رساله ثبت شده، نویسنده آن را از اشخاص موثق شنیده است؛ البته خیلی از این خاطرات به سند نیاز ندارد چون حاوی نکته‌ای عملی است که هم معقول است و هم باعث تنبّه. امیدوارم خدای متعال آن را به مرحمت و احسان قبول و اثربخش قرار دهد. والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و علی کلّ حال.

* ۲ رجب ۱۴۴۱ برابر با ۷ اسفند ۱۳۹۸